

الگویابی دانشگاه اخلاق مدار در گام دوم انقلاب اسلامی

مبتنی بر حکمرانی علمی - اسلامی

محسن عابدی درچه^۱

اولین همایش بین المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

در این پژوهش بر اساس راهبردها و توصیه‌های امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) در زمینه علم و پژوهش و اخلاق و معنویت در گام دوم انقلاب، به الگویابی دانشگاه اخلاق مدار پرداخته شده است. ضرورت چنین پژوهشی معطوف به نقش علم و فناوری و جایگاه آن یعنی دانشگاه در پیشبرد اهداف کشور برای ایجاد جامعه و کشوری اسلامی به عنوان مرحله چهارم، و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی در مرحله پنجم انقلاب اسلامی و در گام دوم انقلاب، به منظور رسیدن به ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است. در این بین، با تحلیل محتوای بیانات رهبری و تجزیه و تحلیل مباحث، مؤلفه‌های مد نظر مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج این پژوهش نشان داده است که بر اساس وقایع تاریخی و واقعیت‌های جهان کنونی، الگوهای دانشگاهی غربی نتوانسته است نیازهای مادی و معنوی بشریت را برآورده کند. به همین دلیل الگویابی دانشگاه اخلاق مداری که بتواند کمال مادی انسان‌ها و سعادت اخروی آنها را رقم بزند، از اهمیت بسیاری برخوردار است.

واژگان کلیدی

علم، اخلاق و معنویت، دانشگاه اخلاق مدار، گام دوم انقلاب، حکمرانی



مقدمه

برای پیشرفت هر جامعه و حکومتی به علم، فناوری، دانش، آموزش و پژوهش و از آنها مهم‌تر به تربیت، تزکیه و تهذیب نفس، به عنوان محوری‌ترین مقوله‌های رایج در امر حکمرانی مطلوب و متعالی در اسلام، نیاز است. اهمیت موضوع علم و پژوهش به حدی است که سایر ابعاد حکومت را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. حوزه‌های سیاست، فرهنگ، اقتصاد، اجتماع، امنیت و ... هر یک به نحوی مستقیم یا غیرمستقیم از مباحث علم و فناوری تأثیر پذیرند. دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی فضای اصلی و جایگاه اساسی کسب و نهادینه کردن این مهارت‌ها در افراد و جوامع هستند. بنابراین اگر دانشگاه به لحاظ فیزیکی و معنوی نتواند فضای مناسبی برای تعلیم و تعلم دانش‌پژوهان فراهم کند، قطعاً نمی‌تواند نیروی انسانی سالم و متعالی برای پیشبرد اهداف جامعه متعالی مد نظر خود تولید و بازتولید کند. بر همین اساس، اخلاق و معنویت نیز از شاخصه‌ها و مؤلفه‌های مؤثر بر پیشرفت در عرصه‌های گوناگون در دانشگاه و مراکز علمی و پژوهشی است.

دانشگاه‌های دولتی، غیرانتفاعی، نظامی، کاربردی، دینی و ... که در هر کشوری وجود دارند، می‌توانند در شئون مختلف یک جامعه تأثیرگذار باشند؛ چون دانشگاه‌ها در زمینه‌ها و رشته‌هایی نظیر علوم انسانی، علوم مهندسی، علوم طبیعی، علوم پزشکی، امور نظامی، انتظامی و امنیتی، علوم قضایی و غیره به تربیت و تعلیم دانشجو در مقاطع مختلف تحصیلی می‌پردازند و این دانشجویان پس از کسب مهارت‌های لازم به عنوان نیروی کار وارد کارزار بازار، صنعت، درمان، کشاورزی، تولید و خدمات می‌شوند. اگر دانشجویان به طور صحیح علوم مختلف را فراگرفته باشند و در عین حال تربیت صحیح دینی دیده باشند، خواهند توانست مسائل و مشکلات جامعه را حل یا با تولید علم و ثروت، مقدمات پیشرفت جوامع را فراهم کنند.

حال مسئله تحقیق این است که اساساً علم چه نقشی در پیشرفت افراد و جوامع دارد؟ چه نوع دانشگاه یا مرکز علمی باعث پیشرفت و حرکت رو به جلوی جامعه می‌شود؟ آیا تنها کسب علم کافی است یا تربیت نیز ضروری است؟ آیا تربیت مقدم بر تعلیم است یا تعلیم مقدم بر تربیت؟ این سؤال‌ها رشته‌ای به هم پیوسته است که با بررسی آنها می‌توان سؤال تحقیق را که الگویابی دانشگاه اخلاق‌مدار در گام دوم انقلاب است، تبیین کرد.



دستیابی به الگویی از دانشگاه اخلاق مدار بر اساس آراء، افکار، نظریه‌ها و اندیشه‌های امام خامنه‌ای، برای پیشرفت در گام دوم انقلاب اسلامی به منظور تشکیل تمدن نوین انقلاب اسلامی در مرحله پنجم حکمرانی اسلامی و با هدف تحقق و ظهور ولایت عظمی و تشکیل حکومت الهی حضرت مهدی (ارواحنا له الفداء) است. باید بر اساس این الگو، خط‌مشی و سیاست‌های کلی حرکت علمی و فناورانه کشور را مشخص کرد.

فرض تحقیق بر این است که علم نقشی مهم در پیشرفت جوامع دارد؛ البته علمی که مقدمه آن تربیت و تزکیه نفس باشد و اخلاق و معنویت به عنوان مؤلفه‌ها و شاخص‌های اصلی دانشگاه اخلاق مدار در آن جامعه کاربردی حقیقی داشته باشند.

روش تحقیق

محقق با سیر در آراء، نظریه‌ها و اندیشه‌های امام خامنه‌ای (مدظله) و مطالعه بیانات ایشان درباره دانشگاه، علم، اخلاق و معنویت مطلوب و متعالی در اسلام و استخراج این مطالب از منابع کتابخانه‌ای شامل کتاب‌ها، مقاله‌ها و بیانات به تجزیه و تحلیل آنها پرداخته است. همچنین با اینکه تحقیق به لحاظ الگویابی بنیادی است، اما بر مبنای توصیه‌ها و سفارش‌ها و نیز از این منظر که این شاخص‌ها تا حدودی در جوامع دانشگاهی به اجرا درآمده‌اند، به نوعی توسعه‌ای- کاربردی است.

مبانی نظری تحقیق

۱. الگویابی اسلامی- ایرانی

الگو به معنی اسوه، قده، مثال و نمونه است (دهخدا، ۱۳۸۸: ۲۵۵). الگو معادل کلمه Model در زبان انگلیسی است. «یک مدل، یک الگو، طرح، معرفی (به ویژه کوتاه) یا تشریح است که برای نشان دادن هدف اصلی یا کارکرد یک موضوع، سیستم یا مفهوم در نظر گرفته شده است» (میرمعزی، ۱۳۸۹: ۶۳). در واقع الگو را می‌توان مجموعه‌ای از قواعد، دکترین، سرمشق‌ها، راهبردهای کلی، نمونه‌ها، مدل‌ها، رویه‌ها و مواردی شبیه این دانست که پیش‌نیاز انجام فعالیت‌های جزئی و کلی است یا برای کارهایی تعریف کرد که قرار است با برنامه‌ریزی و در مسیر درست و بهینه حرکت کند و بخواهد به اهداف پیش‌بینی شده دست

یابد (مختاریان پور، ۱۳۹۵: ۱۲). مقام معظم رهبری نیز الگورا چنین تعریف می‌کنند: «الگو یک وسیله و معیار و میزانی است برای اینکه آن کاری که انسان می‌خواهد انجام دهد با آن الگو تطبیق داده شود» (وکیلی، ۱۳۹۲: ۱۱۳۶-۱۱۲۵). از سوی دیگر الگورا می‌توان تصویری کلان و جامع از یک نمونه ایده‌آل، البته قابل دستیابی (جامعه مطلوب) دانست. الگو باید حاوی مبانی، اهداف، راهبردها، خط‌مشی‌ها و خطوط درشت و نقشه راه باشد (مصباحی مقدم، ۱۳۸۹: ۲۲۱). در واقع منظور از الگویابی تفکر و تدبیر در منابع همراه جست‌وجو، کشف و یافتن الگو، سرمشق، روش، شیوه و رویه‌ای است که با مبنا قرار دادن آن بتوان آینده یک اقدام را از قبل ترسیم و راهبردی تبیین و تشریح کرد تا با برنامه‌ریزی دقیق و صحیح، عوامل اجرایی و نظارتی بتوانند بر مبنای اصول و قواعد اساسی این الگو، خط‌مشی مد نظر را به درستی پیمایش کنند تا در مسیر نیل به اهداف و آرمان‌های الگو انحرافی صورت نگیرد. به عبارت دیگر، الگو یک نقشه راه است که باید با غور در منابع و مآخذ مورد وثوق هر مکتبی، توسط خبرگان و اهل فن مورد اکتشاف و استخراج قرار گیرد تا الگویی یافت شود. این فرآیند را الگویابی گویند.

اگر الگویی قید اسلامی و ایرانی داشته باشد، شروط لازم و کافی آن وجود ویژگی‌ها و مشخصاتی است که از منظر اسلامیت و ایرانیت به آن اضافه شده باشد. بنابراین بخش مبانی در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت شامل شش زیربخش خدانشناختی، جهان‌شناختی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی، ارزش‌شناختی و دین‌شناختی است.

این الگو در زیربخش خدانشناختی اساس و محور حیات فردی و اجتماعی مؤمنان را محور قرار دادن خداوند و توحید بیان می‌کند و از صفات او یکتایی، رحمانیت، رحیمیت، علیم، حکیم، غنی، ربّ، هادی، شارح، مالک، حاکم، عادل، واسع، ولی و حامی بودن است.

در زیربخش جهان‌شناختی اعتقاد به غیب و شهود، مراتب روحانی و مادی، دنیوی و اخروی، نظام علی و معلولی حاکم بر جهان، جهان محل عمل و آزمایش و در خدمت انسان بودن، جهان مادی برای تکامل و تعالی معنوی از آموزه‌های آن است.

در زیربخش انسان‌شناختی دستیابی به مقام قرب و خلیفه‌اللّهی، ساحات جسمانی و روحانی انسان، ابعاد فطری انسان شامل خداپرستی، دین‌ورزی، کمال‌گرایی، حقیقت‌جویی،

خیرخواهی، زیبایی‌گرایی، عدالت‌طلبی، آزادی‌خواهی و سایر ارزش‌های متعالی، کمال و سعادت اختیاری انسان، حیات پس از مرگ، توجه به حقوق انسان و اجتماعی بودن او از آموزه‌هایی است که برای شناخت انسان معرفی شده است.

در خصوص زیربخش جامعه‌شناختی، جامعه به عنوان بستر تعامل و مشارکت در جهت تأمین انواع نیازها و شکوفایی استعدادها؛ ساخت‌یافتگی جامعه مبتنی بر فرهنگ؛ خانواده به عنوان بنیادی‌ترین واحد جامعه؛ تأثیر سنن الهی و قوانین تکوینی مشترک و فراگیر بر جامعه؛ حاکمیت سنت‌های الهی در جامعه؛ تأثیر عوامل فرهنگی، جمعیتی و انسانی، جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، دانشی و فناورانه در تغییرات اجتماعی؛ ابتنای جامعه دینی بر شکل‌گیری مناسبات اجتماعی بر اساس اصول و ارزش‌های دینی؛ جهت‌گیری تاریخ به سوی آینده‌ای پیشرفته در همه ابعاد مادی و معنوی با حاکمیت ایمان، تقوا و رهبری امام معصوم(ع)، و پیشرفت حقیقی از مبانی جامعه‌شناختی در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت است.

زیربخش مبانی ارزش‌شناختی نیز مشتمل بر ریشه ارزش‌ها در واقعیت و ثابت، مطلق و جهان‌شمول بودن اصول، اصول ارزش‌ها از طریق عقل و فطرت قابل شناسایی و تفصیل آن از طریق کتاب و سنت، جریان ارزش‌ها در ساحت‌های ارتباطی انسان با خدا، خود و خلق و خلقت و همچنین ارزش‌ها موجب پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی شدن است.

در زیربخش دین‌شناختی، دین کامل، جهان‌شمول و نهایی اسلام و مبلغان آن پیامبر خاتم(ص) و اهل بیت پیامبر(ع) هستند. دین دستگاه جامع معرفتی- معیشتی است که از سوی خداوند متعال برای تأمین کمال و سعادت دنیوی و اخروی نازل شده است. هماهنگی اسلام با نظام هستی و سرشت انسان با نقشی بی‌بدیل در تأمین نیازهای نظری و عملی، فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی، خردورزی و تمسک به دانش بشری و تجارب عقلایی مورد تأکید اسلام است و وحی، مایه شکوفایی عقل محسوب می‌شود.

هر الگویی یک سری آرمان‌ها دارد که مبتنی بر مبانی آن الگوست. آرمان‌های الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، ارزش‌های بنیادین فرازمانی و فرامکانی جهت‌دهنده پیشرفت هستند. مبنایی‌ترین این ارزش‌ها، نیل به خلافت الهی و حیات طیبه است. اهم ارزش‌های تشکیل‌دهنده حیات طیبه عبارت‌اند از: معرفت به حقایق، ایمان به غیب، سلامت جسمی و روانی، مدارا و همزیستی با هموعان، رحمت و اخوت با مسلمانان، مقابله مقتدرانه با



دشمنان، بهره‌برداری کارآمد و عادلانه از طبیعت، تفکر و عقلانیت، آزادی مسئولانه، انضباط اجتماعی و قانون‌مداری، عدالت همه‌جانبه، تعاون، مسئولیت‌پذیری، صداقت، نیل به کفاف، استقلال، امنیت و فراوانی. همچنین این رسالت الگو حرکت عقلانی، مؤمنانه و متعهدانه در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی متناسب با آرمان‌ها در زیست‌بوم ایران است (عابدی درچه الف، ۳۹۸: ۱۱۸).

درباره الگوی اسلامی- ایرانی مقام معظم رهبری در بیاناتی در نخستین نشست اندیشه راهبردی در ۱۰ آذر ۱۳۸۹ فرمودند: «در خصوص «ایرانی» بودن الگو، شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط فرهنگی، شرایط اقلیمی، شرایط جغرافیای سیاسی در تشکیل این الگو تأثیر می‌گذارد. این نکته هم مطرح است که طراحان آن، متفکران ایرانی هستند؛ این کاملاً وجه مناسبی است برای عنوان ایرانی؛ یعنی ما نمی‌خواهیم این را از دیگران بگیریم؛ ما می‌خواهیم آنچه را که خودمان لازم می‌دانیم، مصلحت کشورمان می‌دانیم، آینده را می‌توانیم با آن تصویر و ترسیم کنیم، این را در یک قالبی بریزیم. بنابراین این الگو ایرانی است. از طرف دیگر، «اسلامی» است؛ به خاطر اینکه غایات، اهداف، ارزش‌ها و شیوه‌های کار، همه از اسلام مایه خواهد گرفت؛ یعنی تکیه ما به مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی است. ما یک جامعه اسلامی هستیم، یک حکومت اسلامی هستیم و افتخار ما به این است که می‌توانیم از منبع اسلام استفاده کنیم. خوشبختانه منابع اسلامی هم در اختیار ما وجود دارد؛ قرآن هست، سنت هست و مفاهیم بسیار غنی و ممتازی که در فلسفه ما و در کلام ما و در فقه ما و در حقوق ما وجود دارد» (سبحانی، ۱۳۹۷: ۱۲۶). «بنابراین اسلامی هم به این مناسبت است. البته اینکه ما می‌گوییم ایرانی یا اسلامی، مطلقاً به این معنا نیست که ما از دستاوردهای دیگران استفاده نخواهیم کرد؛ نه، ما برای به دست آوردن علم، هیچ محدودیتی برای خودمان قائل نیستیم. هر جایی که علم وجود دارد، معرفت درست وجود دارد، تجربه صحیح وجود دارد، به سراغ آن خواهیم رفت؛ منتها چشم‌پسته و کورکورانه چیزی را از جایی نخواهیم گرفت. از همه آنچه در دنیای معرفت وجود دارد و می‌شود از آن استفاده کرد، استفاده خواهیم کرد» (سبحانی، ۱۳۹۷: ۱۲۵).



الگوی پیشرفت همان «برنامه‌ریزی بلندمدت» برای یک دوره ۵۰ تا ۱۰۰ ساله است؛ زیرا برنامه‌ریزی عبارت است از «یک جریان آگاهانه انتخاب و تعیین اولویت‌ها به منظور تصمیم‌گیری در مورد آوردن آینده به زمان حال، تا بتوان با تعیین هدف‌های درست و انتخاب مسیر مناسب و تعیین فعالیت‌های اثربخش جهت تحقق هدف‌های یادشده، کاری برای آن انجام داد. برنامه‌ریزی چیزی نیست جز شناخت دقیق و صحیح وضع موجود در تعیین فرایند رسیدن به وضع مطلوب که در آن باید تعیین کرد چه فعالیتی و کاری؟ چگونه و با چه روشی؟ از سوی چه کسی یا سازمانی؟ با کمک چه کسانی یا سازمان‌هایی؟ در کجا؟ در چه زمانی؟ با چه هزینه‌ای؟ و با چه وسایل و ابزار و منابعی؟ انجام شود تا از وضع موجود به وضع مطلوب در آینده دست یافت (قاضی‌زاده، ۱۳۸۸: ۷).

اما راهبرد بلندمدت جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی پیشرفت در عرصه‌های مختلف است. پیشرفت فکری، علمی، معنوی و اخلاقی و نیز پیشرفت در امنیت، عدالت‌محوری، رفاه عمومی، استقلال و آزادی، عزت ملی و اقتدار ملی، تعاون و همکاری و در یک کلام دستیابی به جایگاه والای حکمرانی متعالی اسلامی مبتنی بر منابع و علوم اسلامی هدف اصلی این الگوی پیشرفت است.

۲. تمدن نوین اسلامی

تمدن به معنای کلی عبارت است از مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه انسانی. وقتی می‌گوییم ساخته‌های انسانی، مقصود آن چیزی است که در طبیعت در حالت عادی وجود ندارد و انسان آن را می‌سازد؛ بنابراین ساخته انسانی در برابر ساخته طبیعت قرار می‌گیرد (شریعتی، ۱۳۸۹: ۵). از نظر هانتینگتون، تمدن بالاترین گروه‌بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می‌آید (هانتینگتون، ۱۳۷۴: ۴۷). تمدن از نظر لغوی عبارت از شهرنشینی، اخلاق مردم شهرنشین را پذیرفتن، از حالت خشونت و جهل به حالت معرفت و شهرنشینی انتقال یافتن و به طور خلاصه روش‌ها و اسباب شهرنشینی را اختیار کردن است (مجیرشیبانی، ۱۳۳۷). در ادبیات فارسی، تمدن به معنای همکاری افراد جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اُنس گرفتن با آداب و اخلاق شهریان به



کار می‌رود (معین، ۱۳۷۵). علت نیاز بشر به تمدن در طبع خود بشر نهفته است، و چون بشر مدنی‌الطبع است، حتماً نیازمند حیات اجتماعی است و این حیات اجتماعی را تمدن می‌گویند. واژه‌های تمدن، فرهنگ یا Culture عملاً به همدیگر پیچیده‌اند. طاهرزاده به نقل از فردریک بارنارد می‌نویسد: «در مواردی تکامل روحی یا معنوی انسان را با فرهنگ یکی دانسته‌اند، و در مواردی با تمدن. گاهی از فرهنگ به عنوان جزء خاصی از تمدن بحث می‌شود و گاهی نیز فرهنگ را لفظی کلی‌تر محسوب کرده‌اند حال آنکه تمدن به فرهنگ شهرها محدود شده است.» در مجموع شاید بتوان گفت «فرهنگ» همان مبادی فکر است که منشأ حرکات افراد می‌شود که در بحث ما اسلام به عنوان مبادی فکری مد نظر است. در مورد «تمدن» از یک جهت با اشیپنگلر هم عقیده هستیم که می‌گوید: «تمدن، ظهور نهایی فرهنگ است» و از یک جهت به اصل واژه Civilization یا مدنیّت و توجه به شهری و جمعی بودن طبع انسان می‌نگریم (طاهرزاده، ۱۳۸۹: ۲۴). همچنین تاملین معتقد است مقصد تمدن انسانی ایجاد مناسبات انسانی است به این معنا که هرگاه جامعه‌ای شکل گیرد و در آن مناسبات انسانی ایجاد شود و این مناسبات استعداد و قریحه خدادادی انسان را شکوفا کند می‌توانیم آن را تمدن بنامیم (تاملین، ۱۳۸۵: ۴۹). ویل دورانت در تعریف تمدن می‌گوید: «تمدن را می‌توان به شکل کلی آن، عبارت از نظامی اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند. تمدن دارای چهار رکن و عنصر اساسی است که شامل پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی، و کوشش در راه معرفت و بسط هنر می‌شود» (دورانت، ۱۳۹۰: ۳). شهید مطهری نیز ضمن انتقاد از تمدن غربی که در آن به ارزش‌های حقیقی انسان توجهی نمی‌شود، تمدن حقیقی را مجموعه‌ای بر می‌شمارد که ابتدا «کمال و استعداد‌های انسان را تعریف کند و بعد کمال جامعه را که همان کمال انسان است مشخص کند که جامعه در چه نظامی می‌تواند انسان را به نهایت استعداد‌های خودش، به کمال فرهنگی خودش، به کمال معنوی خودش برساند» (مطهری، ۱۳۶۹: ۲۴۲). هنری لوکاس، تمدن را پدیده‌ای به هم تنیده می‌داند که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را دربرمی‌گیرد (لوکاس، ۱۳۶۶: ۱۶-۷).



«تمدن اسلامی» یعنی نوعی از زندگی که انسان‌ها بتوانند به همه ابعاد مادی و معنوی خود به کامل‌ترین شکل جواب دهند (طاهرزاده، ۱۳۸۹: ۳۴). به لحاظ تاریخی نیز تمدن اسلامی به عنوان یکی از تمدن‌های بزرگ بشری حاصل مبانی دین اسلام و باور به آنها بوده است (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۳۶). شهید مطهری در این باره می‌نویسد: «ملل بسیاری به اسلام گرویدند و در خدمت این دین درآمدند و در راه نشر و بسط تعالیم آن کوشیدند و با تشریک مساعی با یکدیگر تمدنی عظیم و باشکوه به نام تمدن اسلامی به وجود آوردند» (مطهری، ۱۳۵۷: ۱۴-۱۳).

تمدن نوین اسلامی از رهگذر بازخوانی مجدد تمدن اسلامی با توجه به مقتضیات زمان و مکان و بازسازی مفهومی و عملی نظام اعتقادی اسلام قابلیت آن را دارد که در دوران گذار در نظام بین‌الملل به نقش‌آفرینی در هندسه جدید قدرت جهانی پردازد. نظر به اینکه اسلام نه محدود به مکانی خاص و نه مختص به طبقه‌ای خاص است، بلکه متعلق به همه بشریت با افقی وسیع است تا برادری انسانی را تحقق بخشد، تمدن نوین اسلامی که بر نظام اعتقادی اسلام و آموزه‌های آن برای تحقق وظایف مختلف دینی متناسب با دنیای جهانی شده استوار است، قابلیت آن را دارد که دستورها، سنت‌ها و آیین ناشی از مجموعه اعتقادات اسلامی را فارغ از هر گونه تبعیض نژادی، قومی و زبانی تحقق بخشد. تمدن نوین اسلامی ضمن تحکیم اخوت و برادری همه گروه‌های قومی و نژادی، این امکان را برای آنان فراهم می‌آورد که با یکدیگر در زمینه‌های مختلف علمی، اجتماعی و فرهنگی همکاری و به توسعه زندگی فکری و فرهنگی خود در سطح فراملی اقدام کنند (دهشیری، ۱۳۹۴: ۹۵).

تمدن یک واژه عربی است که از ریشه مدینه و به معنی شهر و شهرنشینی گرفته شده و به سوی عقل و انسانیت و نظم دادن به امور زندگی و به اخلاق شهری گراییدن تفسیر شده است (زمانی، ۱۳۴۸). از آنجا که فلسفه عملی تقسیم می‌شود به علم اخلاق، علم تدبیر منزل و علم سیاست مُدُن (مطهری، ۱۳۸۳: ۱۲۹) و نیز با توجه به اینکه واژه تمدن قرابت بسیاری با واژه مُدُن در مفهوم سیاست مُدُن، یکی از سه زیربخش حکمت عملی دارد، می‌توان گفت در سیاست مدن، امورات سیاسی، برنامه‌ریزی و مدیریت شهر و کشور توسط مدیران و سیاستمداران برای نیل به پیشرفت همراه با عدالت، برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود (عابدی درچه الف، ۳۹۸: ۱۲۱).

در این تحقیق، از اتفاق، دانشگاه اخلاق مدار به نوعی از هر سه قسم حکمت و فلسفه عملی بهره می برد. علم اخلاق و معنویت و علم تدبیر منزل که با مباحث پیشرفت در عرصه زندگی نظیر امنیت، عدالت محوری، رفاه عمومی، استقلال و آزادی، عزت ملی و اقتدار ملی، تعاون و همکاری و غیره سر و کار دارد و همچنین سیاست مُدُن، که مربوط به سیاست حکمرانی و کشورداری می شود، هر سه ارتباط تنگاتنگی با موضوع دانشگاه اخلاق مدار در گام دوم انقلاب اسلامی دارند؛ زیرا اگر دانشگاه اصلاح شود، همه امور کشور اصلاح می شود. در حکمرانی و حکومت داری که ملاک و معیار اقدامات و برنامه هایش دانشگاه باشد، در ابتدا باید پایه و اساس بنیان های آن بر شالوده ای صحیح و سالم استوار شده باشد، وگرنه این خشت کج تا ثریا به انحراف خواهد رفت.

از دیدگاه بسیاری از صاحب نظران، توسعه در معنای کلی به چهار زیرمجموعه اشاره دارد که عبارت اند از: توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی و توسعه فرهنگی (ازکیا، ۱۳۷۷: ۲۱-۱۸). به طور کلی، عرصه های نظام سازی در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت عبارت اند از: عرصه اقتصاد، عرصه سیاست، عرصه فرهنگ و اجتماع، عرصه علم و فناوری، عرصه نظامی و امنیتی و عرصه محیط زیست (عابدی درچه ب، ۱۳۹۸: ۴۹). به عبارت دیگر، هر تمدنی به منظور ایجاد نظام سازی نیازمند ارائه الگوهایی در عرصه های اقتصاد، سیاست، فرهنگ و اجتماع، علم و فناوری، نظامی و امنیتی و محیط زیست است که البته اخلاق و معنویت زیربنای اصلی و اساسی آن است؛ برعکس سایر مکاتب و ایدئولوژی های سیاسی که اقتصاد، سیاست یا فرهنگ را زیربنا و سایر مؤلفه ها را روبنا در نظر می گیرند. در واقع باید گفت در صورتی که عرصه های مذکور ساخته و پرداخته شوند، بدون وجود ویژگی های اخلاقی در کارگزاران و خدمتگزاران این عرصه ها، با گذشت زمان مسیر انحطاط و سرنگونی را دنبال خواهند کرد؛ بنابراین متخلّق شدن به اخلاق حسنه در همه ساختارها، سنگ بنای غیرقابل تفکیک از عرصه های نظام سازی برای نیل به تمدن های قدرتمند است.



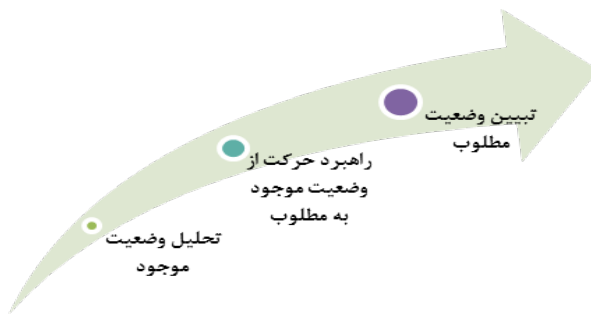


شکل ۱: عرصه‌های نظام‌سازی در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت (منبع: عابدی درجه ب، ۱۳۹۸: ۴۹)

۳. پیشرفت

نخست آنکه واژه پیشرفت، بومی و قابل فهم است، نه وارداتی، و بار معنایی ناسازگار با مبانی ارزش‌های اسلامی ندارد. دوم، توسعه، مفهومی ایستا و پیشرفت مفهومی پویا دارد. توسعه به یک وضعیت مطلوب و پیشرفت به حرکت رو به هدف گفته می‌شود (مصباحی مقدم، ۱۳۸۹: ۲۲۲-۲۲۱). «رمز پیشرفت یک کشور، یعنی آن محور اصلی برای اقتدار یک کشور، پیشرفت همراه با اقتدار، علم است. آماج بسیاری از توطئه‌های امروزی علیه جمهوری اسلامی، علم و اهل علم و دانشجویان علم و محیط علمی هستند... ثروت دنیای غرب از ناحیه علم است، اقتدارش از ناحیه علم است، زورگویی‌ای که امروز می‌کند به خاطر علمی است که دارد» (سیاهپوش، ۱۳۹۵: ۱۶۰). واژه پیشرفت معادل واژه توسعه در ادبیات علمی کلاسیک و مرسوم است. توسعه ترجمه کلمه Development است و از ادبیات علمی غرب به عاریت گرفته شده است. در این ادبیات توسعه‌یافتگی و راهبردهای توسعه مبتنی بر رئیس، شکاکیت یا انکار خداوند، اصالت ماده، اصالت فرد، اصالت تجربه و تفسیر خاصی از سعادت انسان و جامعه، تفسیر و تعیین می‌شود. علت انتخاب واژه پیشرفت به جای توسعه، احتراز از بار بینشی و ارزشی همراه واژه توسعه است. در تعریفی عام که بر اساس همه بینش‌ها و منش‌ها درست است، پیشرفت عبارت است از فرایند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب.

بر این اساس، الگوی پیشرفت باید مشتمل بر سه امر باشد: ۱. تحلیل وضعیت موجود؛ ۲. تبیین وضعیت مطلوب؛ ۳. راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب. الگوهای پیشرفت، دست کم در یکی از این سه، با یکدیگر اختلاف دارند و یکی از دلایل اصلی اختلاف نیز جهان‌بینی حاکم بر این الگوهاست که از آن با عنوان «متاپارادایم الگوهای توسعه» یاد می‌شود. در یک نگاه کلان با ردّ عقاید پوزیتیویست‌ها، علوم انسانی سه وظیفه مذکور را بر عهده دارند. علوم انسانی در بخش اثباتی به وظیفه دوم و در بخش هنجاری یا دستوری به وظیفه اول و سوم می‌پردازند. علوم انسانی موجود، این سه وظیفه را از طریق تئوری‌هایی انجام می‌دهند که غالباً مبتنی بر جهان‌بینی و ارزش‌های غیراسلامی است (میرمعزی، ۱۳۸۹: ۷۰-۶۲). در واقع، در حکمرانی مطلوب، با تشخیص و تجزیه و تحلیل وضعیت موجود و احصای نیازها، معایب، نواقص و موانع موجود، وضعیتی مطلوب را تبیین و ترسیم می‌کنند تا به عنوان نقشه راه پیشرفت، ملاک و معیار و میزان قرار گیرد. این معیارها را راهبرد حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب می‌گویند. به عبارت دیگر، این حرکت یک سیر تکاملی از الگوی حکمرانی مطلوب برای پیشرفت در یک کشور یا دولت است.



شکل ۲: سیر تکاملی الگوی حکمرانی مطلوب در حوزه علم و فناوری

(منبع: عابدی‌درچه الف، ۱۳۹۸: ۱۲۳)

البته نکته‌ای که باید مد نظر قرار گیرد این است که مقام معظم رهبری تحولات پس از انقلاب اسلامی را در قالب چند مرحله تشریح کرده‌اند. ایشان از منظر آینده‌نگرانه، تشکیل دولت اسلامی را مقدمه‌ای برای تشکیل تمدن اسلامی دانسته‌اند. به اعتقاد ایشان «ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم. مرحله بعد، تشکیل دولت اسلامی است، مرحله بعد، تشکیل کشور اسلامی است و مرحله بعد، تشکیل تمدن بین‌المللی



اسلامی است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۳). ایشان لازمه تمدن‌سازی را دستیابی به علم و فناوری دانسته‌اند و بر اهمیت فکر و نیروی انسان تأکید کرده‌اند (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۴). بدین ترتیب، می‌توان گفت در اندیشه ایشان چشم‌انداز پیش روی جمهوری اسلامی ایران برای آینده، تشکیل تمدن است. این تمدن، بُعدی بین‌المللی دارد که دستیابی به آن مستلزم طی چهار مرحله راهبردی یعنی انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی، تشکیل دولت اسلامی و تشکیل کشور اسلامی است. آنگاه با تشکیل یک کشور که به تمام معنا اسلامی باشد، این کشور الگویی برای سایر جوامع اسلامی خواهد بود و نظایر آن در دنیا تشکیل می‌شود و جهان، شاهد تمدن نوین اسلامی خواهد شد که در آن علم، قدرت و ثروت در خدمت رستگاری و تحقق عدالت در جامعه بشری خواهد بود و در آن علم و معنویت، توأمان خواهند بود. به اعتقاد ایشان، لازمه تحقق تمدن یادشده، تقوای فردی و جماعت و اُمت و دستیابی مسلمانان به قله‌های علمی در حوزه جهانی است (کلاتری و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۹-۲۹).

اما باید گفت بنا به فرمایشات رهبری، ما فقط از دوران انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی گذشته‌ایم و با گذشت چهل سال از انقلاب، هنوز در مرحله سوم یعنی تشکیل دولت اسلامی باقی مانده‌ایم. شاید یکی از دلایل این عقب‌ماندگی یا توقف در این مرحله، عدم ابتدای علم و فناوری بر اخلاق باشد؛ به این معنا که تعلیم از تربیت پیشی گرفته است. علم دانشگاهی و تجربی فاصله زیادی از اخلاق و معنویت گرفته است. این اختلاف و افتراق میان علم و پژوهش و معنویت و اخلاق می‌تواند ما را از رسیدن به قله‌های رفیع برای نیل به آرمان‌های جمهوری اسلامی یعنی گذر از مراحل دولت اسلامی، جامعه اسلامی، و تمدن نوین اسلامی و تحقق ولایت عظمی با مشکل مواجه کند.



شکل ۳: سیر تکاملی مراحل پنج‌گانه تحقق تمدن نوین اسلامی (منبع: عابدی‌درچه الف، ۱۴۴: ۳۹۸)

۴. حکمرانی^۱ و حکمرانی خوب^۲

فرهنگ فارسی معین در تعریف حکمران و حکم فرما واژگان مترادفی نظیر «حاکم، والی، فرمانروا، حکمران» را آورده است (معین، ۱۳۸۷: ۴۱۶). حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود (Johnson, 1997: 9). حکمرانی در لغت به معنای حکومت، فرمانروایی، راهبری و حکمرانی تعریف شده است (حق‌شناس و همکاران، ۱۳۷۹: ۶۸۹). معادل اصطلاح گاورننس را در زبان فارسی «حکمروایی» و برخی «حکمرانی» بیان کرده‌اند. به نظر می‌رسد مفهوم حکمروایی در زبان فارسی «حکم روا کردن» یا «حکم روا داشتن» و معنای حکمرانی «حکم راندن» است که معادل آن در انگلیسی رولینگ^۳ می‌باشد (ویسی، ۱۳۹۲: ۱۰۲). واژه «حکمرانی» واژه جدیدی است که در رابطه با واژه قدیمی «دولت» معنا و مفهوم روشنی ندارد. در فرهنگ لغت آمریکایی هریتیج واژه «حکمرانی» به عنوان «فعالیت، شیوه عمل یا قدرت حکمراندن؛ دولت» معنا شده است. در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد، حکمرانی «فعالیت یا روش حکم راندن، اعمال کنترل یا قدرت بر فعالیت‌های زیردستان؛ نظامی از قوانین و مقررات» تعریف شده است. در دایره‌المعارف بین‌المللی علوم اجتماعی نه تنها تعریف واژه «حکمرانی» وجود ندارد، بلکه در نمایه آن نیز چنین واژه‌ای درج نشده است (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۱۹۳). زارعی به نقل از مک‌کیم و همکارانش می‌نویسد: «حکمرانی به روابط بین دولت و جامعه مدنی، حکمرانان و حکمرانی‌شوندگان، حکومت و حکومت‌شوندگان مربوط می‌شود» و تعریف بانک جهانی از حکمرانی را چنین بیان می‌کند: «فرایندها و نهادهایی که از طریق آنها تصمیم‌ها اتخاذ و اقتدار در یک کشور اعمال می‌شود». همچنین تعریف برنامه عمران سازمان ملل را این‌گونه می‌آورد: «اعمال اقتدار اقتصادی، سیاسی و اجرایی به منظور اداره امور یک جامعه در همه سطوح حکمرانی شامل مکانیسم‌ها، فرایندها و نهادهایی است که از طریق آن شهروندان و گروه‌ها منافع‌شان را منسجم و مشخص می‌کنند، با وظایف‌شان آشنا می‌شوند و اختلافات‌شان را حل و فصل می‌کنند» (زارعی، ۱۳۹۸: ۲۶۰-۲۵۹).

توماس مور پس از افلاطون و آگوستین، یک جامعه آرمانی را با عنوان یوتوپیا با سه شاخصه هماهنگی، ایستایی و برابری ترسیم کرده است. اهم نکاتی که در این باره مطرح

1. Governance
2. Good Governance
3. Ruling



کرده عبارت‌اند از: نفی زندگی فردی، تأکید بر مشارکت عمومی، ترویج امور دینی، نفی مالکیت خصوصی، لزوم قوانین محکم و قاطع، سادگی در همه زمینه‌های زندگی، تکیه بر تعلیم و تربیت، نفی بی‌بند و باری جنسی، همراهی دین و دولت، ضرورت زندگی خصوصی و عمومی افراد، طرد ارزش‌های مبتنی بر زر و سیم، تقسیم کار بر اساس مقتضیات عملی، طرد پول از صحنه جامعه به مثابه ریشه فقر، به شمار آمدن خانواده به عنوان پایه جامعه، الزام همه به شش ساعت کار در روز و ... (شیرودی و جهان‌بین، ۱۳۹۳: ۴۰).

دو سازکار اصلی پیشنهادی بانک جهانی برای بهبود حکمرانی، تقویت رقابت و پاسخ‌گویی است که کاربرد آنها در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دایره بسیار گسترده‌ای از سیاست‌ها، از اصلاح سیستم قضایی و آموزش و پرورش تا نظام مناقصات دولتی را منتج ساخته است (World Bank, 2003). ژان بُدن نیز همچون فیلسوفان یونان باستان عقیده داشت که همه دولت‌ها دو وظیفه و مأموریت اصلی بر عهده دارند: «۱. تأمین نیازهای مادی و جسمی مردم جامعه؛ ۲. تأمین فضایل اخلاقی و عقلی (شیرودی و جهان‌بین، ۱۳۹۳: ۴۶). راهی که فارابی برای برون‌رفت از وضعیتی به ظاهر با شکوه ولی از نگاه او نامطلوب، پیش می‌کشد، مدینه‌ای است با هدف استقرار فضیلت و سعادت؛ از همین رو، نامش را فاضله می‌نهد و در تشریح ضرورت فضیلت و سعادت و پیوند آن با نظام هستی و نظام سیاسی چنین می‌گوید: «هدف از آفرینش انسان رسیدن به سعادت نهایی است. شرط نیل به سعادت، شناخت آن است. انسان به تنهایی نمی‌تواند سعادت را بشناسد بلکه باید آن را از طریق راهنما بشناسد و از طریق حکومت به آن دست یابد» (شیرودی، ۱۳۹۳: ۲۹).

یافته‌های تحقیق

۱. قدرت‌آفرینی حکمرانی علمی

«دانش، آشکارترین وسیله عزّت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوپست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به



جوشاندن چشمه دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم. بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهانی بالاتر است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۲۱-۲۰). «از این جهت وجود دانشگاه‌هایی که بتواند سبب‌ساز عزت ملی، اقتدار ملی و افزایش قدرت ملی هر کشوری شود، از ضروریات هر جامعه‌ای است. اما دانشگاهی که با تکیه بر اصول اساسی اسلام و بنیان‌های معنوی و اخلاقی پایه‌گذاری شده و مسئولین اجرایی آن نیز مقید به اجرای قوانین و مقررات حاکم بر آن باشند. در این حالت، دانشگاهی مبتنی بر پایه‌های علمی با ویژگی‌هایی گِرداگرِد اخلاق، منشأ تعالی و پیشرفت خواهد شد. به همین دلیل است که یکی از معصومین (ع) در حدیثی می‌فرماید: «العلم سلطان»، علم سلطان و حاکم است، زیرا کسی که صاحب علم نافذ و قوی باشد، بر همه حاکم و چیره خواهد بود.»

۲. رابطه اخلاق و معنویت با علم و پژوهش

«از سوی دیگر، معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و سایر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۲۲). در بیان و تعریف امام خامنه‌ای از معنویت و اخلاق به یک نکته بسیار مهم می‌توان اشاره کرد و آن وجود ارتباط انسان با خدا در معنویت و اصلاح امور خود با خدا در این حوزه است و در اخلاق وجود ارتباط صحیح انسان با خود و با افراد جامعه؛ به معنای دیگر، در معنویت انسان باید رابطه خود و خداوند را ارتقا ببخشد و در اخلاق به تکامل شناخت و ارتباط با خود و افراد جامعه بپردازد. همان‌گونه که در حدیثی معصوم (ع) می‌فرماید: هر کس رابطه خود را با خداوند اصلاح نماید، خداوند رابطه او را با خَلق اصلاح می‌کند.

«شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هر چه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست



نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهمی کنند» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۲۲). همان‌طور که ایشان می‌فرمایند: «هر چند با دستور و فرمان نمی‌توان اخلاق و معنویت را در جامعه نهادینه کرد، اما از آنجا که دانشگاه‌ها اماکن تولید و تربیت نیروی محرک جامعه هستند، با تدوین و اجرای قوانین مبتنی بر اخلاق و معنویت اسلامی ناب می‌توان زمینه‌های رشد و تعالی جامعه را فراهم کرد. البته افراد غیربرخوردار از سواد دینی و اخلاقی هم ممکن است پیدا بشوند و بگویند دولت‌ها و حکومت‌ها قرار نیست کسی را به زور به بهشت ببرند، اما قرار هم نیست حکمرانان مردم جامعه را با میل خودشان به جهنم ببرند. جامعه علمی و دانشگاهی که مدیران ارشد، میانی و اجرایی آن معتقد به تثبیت امور اخلاقی در لایه‌های پنهان و آشکار آن نباشند، مسلماً میلی به تعالی و سعادت و کمال انسان‌ها و جوامع ندارند.»

«ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد. این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره پیش رو باید در این باره برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۲۳-۲۲). «فناوری علمی مانند ماهواره‌ها، اینترنت، تلفن‌های همراه و دیگر ابزار به عنوان رسانه‌های سخت‌افزاری و شبکه‌ها، سایت‌ها و کانال‌ها و فضا‌های مجازی به عنوان نرم‌افزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر که معمولاً اخلاق و معنویت در آن نمود عینی چشم‌گیری ندارد، یکی از حوزه‌های اساسی انحرافات اخلاقی و معنوی مردم و به طور خاص جوانان و دانشجویان می‌باشد. در صورتی که فضای دانشگاه و دانشجو به چنین فضا‌هایی به لحاظ اخلاقی، اعتقادی، سیاسی، فرهنگی، جنسی و دیگر مؤلفه‌های سبک زندگی منحرف شوند، اصلاح چنین دانشگاه و جامعه‌ای به راحتی امکان‌پذیر نخواهد بود.»

۳. اخلاق و معنویت عامل ثبات در پیشرفت‌های علم

امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) درباره عرصه معنویت به عنوان یکی از عرصه‌های پیشرفت می‌فرماید: «باید برای همه روشن شود که معنویت نه با علم، نه با سیاست، نه با آزادی، نه با عرصه‌های دیگر، هیچ منافاتی ندارد؛ بلکه معنویت روح همه اینهاست. می‌توان با معنویت قلّه‌های علم را صاحب شد و فتح کرد؛ یعنی معنویت هم وجود داشته باشد، علم هم وجود داشته باشد. دنیا در آن صورت دنیایی انسانی خواهد شد که شایسته زندگی انسان است. دنیای امروز، دنیای جنگلی است. دنیایی که در آن علم همراه با معنویت، تمدن همراه با معنویت، ثروت همراه با معنویت، این دنیا دنیای انسانی خواهد بود. البته نمونه کامل این دنیا در دوران ظهور حضرت بقیه‌الله (ارواحنا فداه) اتفاق خواهد افتاد» (سیاهپوش، ۱۳۹۵: ۸۸). عرصه‌های پیشرفت از دیدگاه مقام معظم رهبری عبارت‌اند از: عرصه فکر، عرصه علم، عرصه زندگی نظیر امنیت، عدالت، رفاه، استقلال، عزّت ملی، آزادی، تعاون و حکومت و عرصه چهارم عرصه معنویت است که از همه مهم‌تر و روح و نتیجه همه اینهاست (سبحانی، ۱۳۹۷: ۱۲۷). هر چهار عرصه فکر، علم، زندگی و معنویت، زمینه‌هایی هستند که یک دانشگاه اخلاق مدار می‌تواند در آن نقش اساسی و مهم ایفا کند؛ همان‌گونه که خداوند متعال در قرآن کریم تربیت و تعلیم را لازم و ملزوم یکدیگر می‌داند و نیز از چهار بیان شریفی که این دو مقوله را در کنار هم آورده است، در سه مورد تربیت را مقدم بر تعلیم بیان می‌کند و می‌فرماید: «و یزکیهم و یعلمهم الكتاب» و تنها در یک مورد فرموده: «یعلمهم الكتاب و یزکیهم» و این تأکید بر تربیت، در واقع اصرار بر تقدم تربیت و اخلاق‌مداری بر علم‌آموزی و تعلیم است. بنابراین در چهار عرصه مورد تأکید امام خامنه‌ای در خصوص پیشرفت در گام دوم انقلاب اسلامی نیز می‌توان گفت رسالت دانشگاه اخلاق‌مدار مبتنی بر حکمرانی اسلامی، نهادینه کردن اخلاق، معنویت در ابتدای ساختن فکر و علم، برای تغییر سبک زندگی در راستای الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت در مسیر حکمرانی علمی- اسلامی است. همچنین امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) در بیانیه بسیار مهم گام دوم انقلاب ضمن معرفی انقلاب پُرشکوه ملت ایران به عنوان «بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید»، آن را تنها انقلابی می‌داند که «یک چلّه پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت



شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دّومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدّن‌سازی شده است». در ادامه نیز در دو بخش به تشریح و تبیین می‌پردازند. در بخش اول برکات بزرگ انقلاب اسلامی نظیر:

۱. ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران؛
 ۲. موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی؛
 ۳. به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه خدمت‌رسانی؛
 ۴. ارتقای شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم؛
 ۵. سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور؛
 ۶. افزایش چشم‌گیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه؛
 ۷. ایستادگی روزافزون در برابر قُلدران و زورگویان و مستکبران جهان را بیان کردند.
- سپس در بخش دوم توصیه‌هایی را برای آرمان بزرگ انقلاب اسلامی یعنی نیل به تمدّن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) به عنوان مطلوب‌ترین حکمرانی شکل گرفته در طول تاریخ بشریت بیان کردند. این توصیه‌ها عبارت‌اند از:

۱. علم و پژوهش؛
۲. معنویت و اخلاق؛
۳. اقتصاد؛
۴. عدالت و مبارزه با فساد؛
۵. استقلال و آزادی؛
۶. عزّت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن؛
۷. سبک زندگی (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۲۹-۳).

در بیانیه گام دوم انقلاب نیز امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) هم در بخش برکات و هم در بخش توصیه‌ها، به دو مولفه علم، پژوهش و فناوری و نیز معنویت و اخلاق پرداخته‌اند. به عبارت دیگر، علم و معنویت، پژوهش و اخلاق، فناوری و حُسن خلق از اموری هستند که در گام اول انقلاب با پیشرفت‌هایی که رُخ داده، به عنوان برکات بزرگ انقلاب اسلامی از آنها یاد شده است. این امور در گام دوم انقلاب هم به دلیل اهمیت بسیار زیاد مجدداً مورد تأکید



قرار گرفته‌اند. اینکه در توصیه‌های امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) علم و پژوهش و معنویت و اخلاق به عنوان دو مولفه ابتدایی بیان شده‌اند خود نشان از درجه اهمیت و حساسیت آنها در پیشبرد اهداف انقلاب در گام دوم دارد. در هم تنیدگی این دو مورد تا جایی است که در قرآن کریم که چهار مرتبه به تعلیم و تربیت در کنار یکدیگر پرداخته است، در سه مورد «یزکیهم و یعلمهم» بیان شده و تنها در یک مورد «یعلمهم و یزکیهم» آمده است. تقدم تزکیه و تهذیب نفس بر تعلیم، تأکید خداوند در قرآن و نیز ائمه اطهار در روایات مختلف بوده است. عالمی که اخلاقی مذهب نشده باشد، چه بسا که باعث سرنگونی خود و جوامع مختلف می‌شود. امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) در سال ۱۳۸۳ درباره پیشرفت‌های علمی متکی بر اخلاق و معنویت برای نیل به تمدن نوین اسلامی چنین می‌فرماید: «ملت ما روز به روز پیشرفت کرده است. ملت ما در زمینه علم، در زمینه عمران، در زمینه سیاست بین‌الملل، در زمینه ارتقای آگاهی‌های گوناگون، در زمینه ساخت زیربنای عظیم کشور، در زمینه به دست آوردن قدرت فناوری و احیای استعداد‌های مردمی و در بسیاری از زمینه‌های دیگر، پیشرفتی داشته است که در گذشته حتی تصور آن را هم نمی‌کرده و این به برکت اسلام است» (سیاهپوش، ۱۳۹۵: ۳۳۶). به عبارت دیگر، اسلام با ترویج و نهادینه کردن اخلاق و معنویت باعث شده است تا چنین دستاوردهای علمی عظیم و خیره‌کننده در مقایسه با قبل از انقلاب به دست آید.

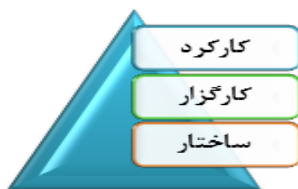
ایشان در همان سال در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری می‌فرماید: «ما از لحاظ علمی و سازندگی پیشرفت کردیم و آنچه در این کشور در بخش‌های مختلف انجام شده، حقیقتاً می‌تواند الگو باشد. کار زیادی در همه بخش‌ها در زمینه ترویج دین، در زمینه رشد، گسترش و ترویج علم، در زمینه شکوفایی استعدادها، در زمینه زیرساخت‌های عظیمی که برای اداره کشور و برای رفاه عمومی لازم بوده و در زمینه‌های گوناگون انجام شده است. در همین زمینه‌های فرهنگی و اخلاقی و در قبال ریزش‌های آن، شما رویش‌های عجیبی را هم مشاهده می‌کنید. امروز نسل جوان محقق و عالم و فاضل و اهل تلاش علمی که به طور گسترش یافته‌ای در کشور وجود دارد؛ هم در دانشگاه‌ها، هم در حوزه‌ها، به وجود آمده‌اند؛ اینها حقایق و واقعیات است. این نشان‌دهنده این است که این موجود، قابل دوام، باثبات، قابل گسترش و قابل ریشه یافتن بود؛ دنیا این را می‌بیند. این تجربه ملت ایران است؛ تجربه



پیشرفت، تجربه موفقیت، توکل به خدا، تصمیم بر تحقق بخشیدن به ارزش‌های الهی و اسلامی و کوتاه نیامدن در این میدان و برنامه‌ریزی برای پیاده کردن این ارزش‌ها و این اهداف در بخش‌های گوناگون نظام اسلامی؛ این جزو وظایف حتمی و قطعی ماست» (سیاهپوش، ۱۳۹۵: ۳۳۸-۳۳۷).

۴. تمدن‌سازی مبتنی بر حکمرانی علمی

با حکمرانی متعالی علمی- اسلامی بر مبنای اخلاق اسلامی، کارکردهای حکومت نیز اصلاح می‌شود، هر چند این فرایند مسیری دو طرفه است؛ بدین معنا که با اجرای الگوی دانشگاه اخلاق مدار مبتنی بر اندیشه‌های حکمرانی اسلامی، کارگزارانی تربیت خواهند شد که با ایجاد و اصلاح ساختارهای مورد نیاز، کارکردی خواهند داشت که موجب تأمین اهداف حکمرانی علمی- اسلامی خواهد شد. از سوی دیگر، همین حکمرانی متعالی و مطلوب علمی باعث می‌شود دانشگاه اخلاق مدار ثبات و پایداری خود را حفظ کند.



شکل ۳: عناصر اساسی حکمرانی متعالی در اسلام (ترسیم: نگارنده)

از سوی دیگر، شهید مطهری مقومات حکومت را که هر حکومتی به آنها نیازمند است به شرح زیر بیان می‌کند: «۱. دفاع از جامعه در برابر دشمن؛ ۲. حفظ امنیت داخلی؛ ۳. وضع قانون؛ ۴. قضا و دادگستری؛ ۵. ارتباط با واحدهای اجتماعی دیگر (امور خارجه). اما به تدریج که جامعه‌ها تکامل پیدا کرده، یک سلسله کارهای دیگر را هم حکومت‌ها به عهده گرفته‌اند که قبلاً یا وجود نداشته، چون موضوعش وجود نداشته یا اگر وجود داشته، ملی بوده و مردم خودشان انجام می‌دادند. این امور مربوط به تأمین نیازها و امکانات اجتماعی است و عبارت‌اند از: ۱. آموزش و پرورش؛ ۲. فرهنگ و هنر؛ ۳. مخابرات؛ ۴. راه؛ ۵. بازرگانی؛ ۶. صنایع؛ ۷. بهداشت؛ ۸. کشاورزی» (مطهری، ۱۳۹۶: ۴۷-۳۸). بنابراین تأمین امکاناتی نظیر آموزش و پرورش و همچنین فرهنگ و هنری که مبتنی بر اخلاق و معنویات باشد از

موارد ضروری است که می‌تواند مقومات هر حکومتی را تقویت کند. تربیت و آموزش نیروی انسانی متخصص و متعهد تنها در دانشگاهی امکان‌پذیر است که بر اساس اصول اسلامی و در رأس آن اخلاق و معنویت شکل گرفته باشد.

در این میان برخی از وظایفی که حکمرانی‌ها دارند، می‌تواند به نهادینه شدن آموزش و پرورش، پژوهش، اخلاق و معنویت در جامعه کمک شایانی کند. برخی از وظایف حکومت و رهبر جامعه اسلامی از دیدگاه امیرالمومنین (ع) در نهج البلاغه عبارت‌اند از:

۱. جمع‌آوری بیت‌المال؛
۲. تأمین امنیت ظاهری و معنوی جامعه؛
۳. مبارزه با دشمنان خارجی و اراذل و اوباشی که نظم، امنیت و آسایش عمومی را بر هم می‌زنند؛
۴. توجه به اموال عمومی و حفظ و حراست از آن؛
۵. پرهیز از اسراف و حیف و میل بیت‌المال؛
۶. احقاق حق ضعیفان از نیرومندان؛
۷. اقامه حق و قضاوت عادلانه؛
۸. توجه به دین و پاسداری از آن در برابر تحریف و تفسیر به رأی و سلیقه شخصی؛
۹. اصلاح و اصلاح‌طلبی به معنای مبارزه با شیوه‌های نادرست حاکمیت و ظلم و تعدی نسبت به مردم؛
۱۰. هم‌خوانی مقررات و قوانین با دستورهای الهی؛
۱۱. خیرخواهی رهبری نظام دینی برای مردم؛
۱۲. رعایت عدالت؛
۱۳. آموزش و پرورش فکر و روح جامعه و تربیت انسان‌های والا مقام (سلمانی‌کیاسری، ۱۳۸۷: ۶۱-۵۶).

«اجرای همه این وظایف با تکیه بر تربیت و آموزش مدیرانی کارآمد و اثربخش، قانون‌دان، متعهد و متبحر در امور حکمرانی، مدیریتی، سیاست‌گذاری و اجرایی ممکن خواهد شد. آموزش و پرورش فکر، روان و روح افراد جامعه و تربیت انسان‌های والا مقام و شریف و دارای مناعت طبع و اخلاق حسنه است که راهگشای مشکلات کشور و تعالی مادی و



معنوی جامعه می‌شود. اما وجود دانشگاهی عاری از منابع و محتوای اسلامی نمی‌تواند به پیشرفت کشور کمک کند. دانشگاهی که محتوای آن غربی و ترجمه‌ای باشد و گرایش اساتید و دانشجویان آن تنها به سمت کتب و مقالات غربی باشد نخواهد توانست کمک شایانی به پیشبرد اهداف گام دوم انقلاب نماید. دانشگاهی که جذب و ورود اساتید و دانشجویان آن بر اساس صلاحیت و شایستگی نباشد، نمی‌تواند تحقق‌بخش جامعه و کشور اسلامی و نیل به تمدن نوین اسلامی شود. تا زمانی که جذب استعدادهای درخشان به نحو شایسته‌ای انجام نشود، و روابط بر ضوابط حکمفرما باشد، افراد ناصالح و غیرمتخصص وارد دانشگاه‌ها خواهند شد و بسیاری از نخبگان و مغزها از کشور خارج خواهند شد.

دانشگاهی که در آن حقوق اساتید و دانشجویان رعایت نشود، دانشگاهی که در آن در کتب، مقالات و کارهای پژوهشی که حجم زیاد آن را دانشجو انجام داده، قانون این باشد که اسامی اساتید در بالای اسم دانشجو باشد، از عدالت‌ورزی فاصله گرفته است. استادی که تخصص نداشته یا متعهد به مبانی دینی نباشد، نمی‌تواند دانشجوی خوب و مطلوب گام دوم انقلاب تربیت کند. دانشجو و استادی که برابر مقررات و قوانین، فرصت لازم را برای آموزش، تربیت و پژوهش اختصاص ندهند، این دانشگاه ظرفیت تربیت نیروی انسانی مورد نیاز اهداف انقلاب اسلامی را تأمین نمی‌کند و به بیان دیگر «ذات نیافته از هستی‌بخش/کی تواند که شود هستی‌بخش».

دانشگاهی که قوانین و مقررات آموزشی و پژوهشی آن از صدر تا ذیل مطابق با دستورات الهی، منابع دینی و اسناد بالادستی نظام تدوین و اجراء نگردد، قطعاً از اخلاق و معنویت به دور است. دانشگاهی که مروج فساد و بی‌بندوباری باشد و ورود دانشجو به آن با هر نوع پوشش و حجابی آزاد باشد و با تساهل و تسامح با آلودگی‌های اخلاقی برخورد گردد، به یقین نمی‌تواند منشأ خیر اخلاقی و پیشرفت شود. دانشجویی که تمام تلاش و کوشش او به جای کسب علم و دانش، امور متفرقه نظیر ارتباط با جنس مخالف، استعمال دخانیات در فضای دانشگاه به صورت آزادانه، حزب‌گرایی و جناح‌بازی سیاسی صرف به دور از اخلاق سیاسی و اسلامی باشد، نمی‌تواند بخشی از موتور محرک جامعه شود. از سوی دیگر، در صورتی که دانشگاه‌ها اساتیدی مهذب و اخلاق‌مدار بر مبنای اصول اسلامی جذب نموده و آنها نیز به تربیت و آموزش دانشجویان واجد شرایط اخلاقی بپردازند، و در این فضای سالم روحیه

ذکر، دعا، نماز، ایثار، جهاد، معنویت‌افزایی، دین‌مداری، ولایت‌پذیری، احترام به حقوق افراد جامعه نظیر استاد، والدین و غیره شکل گرفته و نهادینه شود، مسلماً خروجی چنین دانشگاهی تربیت نیروی انسانی متخصص، کارآمد، اثربخش، متعهد به بنیان‌های دینی و اخلاقی و سرشار از معنویت خواهد بود که معادلات زندگی خود و آینده جامعه را تنها با اصالت بخشیدن به سود و فایده شخصی بررسی نکرده و کسب اقتدار، عزت و پیشرفت جامعه اسلامی را در صدر اهداف خود ترسیم خواهد نمود. دانشگاه‌ها به عنوان موتورهای پیشران کشور در عرصه‌های علم، فناوری، صنعت، کشاورزی، اقتصاد، سیاست، فرهنگ، امور نظامی و امنیتی، مهندسی و عمرانی و دیگر شئون حکمرانی می‌تواند باعث توسعه شود، اما این توسعه در صورتی که با عدالت و اخلاق و معنویت عجین نگردد، باعث پیشرفت در گام دوم انقلاب نخواهد شد.»

نتیجه‌گیری

در دنیای کنونی و در گذر از مکتب خسته و ناتوان دموکراسی که نتوانسته است نیازهای مادی و معنوی انبای بشر را تأمین کند، معرفی یک ایدئولوژی و مکتب سیاسی با عنوان «اندیشه سیاسی اسلام» در پایان قرن بیستم میلادی و کسب موفقیت‌های عظیم تنها در چهل سال، نه تنها سراسر جغرافیای جمهوری اسلامی ایران را از برکات خود متأثر کرده، بلکه نتوانسته با قدرت و نفوذ ژئوپلیتیکی سیاسی و اعتقادی خود، فضاها را جغرافیایی دیگری را نیز فتح و به جرگه دین اسلام متصل کند. این پیوند مبارک و موفقیت بزرگ مدیون پیشرفت علمی کشور همراه اخلاق و معنویت است که به صورت نسبی در جوامع دانشگاهی و علمی ما حکم‌فرما شده است.

ذکر این نکته ضروری است که اگر جامعه و دانشگاه ما به طور کامل با معنویت الهی و اخلاق حسنه ممزوج شود، سرعت حرکت و شدت نفوذ و تأثیر آن در جامعه خودی و جوامع دیگر به قدری افزایش پیدا خواهد کرد که چشم همه اندیشمندان را خیره و آنان را متحیر خواهد کرد. اگر برخی مدیران و مسئولان که نه خود متخلّق به اخلاق حسنه و ویژگی‌های معنوی هستند و نیز اعتقادی به حُسن خُلق افراد و جامعه ندارند، براساس فرمایشات امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)، با تلاش و مجاهدت جهادی پا در عرصه حفظ و گسترش اخلاق و معنویت در محافل علمی و دانشگاهی می‌نهادند، رشد و شتاب علمی کشور برای ایجاد جامعه و کشور اسلامی در مرحله چهارم و نیز ایجاد تمدن نوین اسلامی در مرحله پنجم



انقلاب اسلامی و در گام دوم انقلاب، بیشتر و مسیر برای دستیابی به ولایت عظمی (ارواحنا فداه) نیز کوتاه، سهل و آسان می‌شد.

راهکارها

۱. تربیت و آموزش مدیرانی کارآمد و اثربخش، قانون‌دان، متعهد، مهذب و متخصص در امور حکمرانی، مدیریتی، سیاست‌گذاری و اجرایی در دانشگاه‌ها؛
۲. تربیت و پرورش فکر، روان و روح افراد جامعه و تربیت دانشجویان شریف و دارای مناعت طبع و اخلاق حسنه که راهگشای مشکلات کشور و تعالی مادی و معنوی دانشگاه و جامعه باشند.
۳. گرایش و سوق دادن استادان و دانشجویان به سمت منابع اسلامی به منظور کاربردی کردن محتوای موجود؛
۴. جذب و ورود استادان و دانشجویان دارای صلاحیت و شایستگی علمی و اسلامی؛
۵. جذب استعداد‌های درخشان به نحو شایسته‌ای که ضوابط بر روابط حکمفرما باشد و افراد ناصالح و غیرمتخصص وارد دانشگاه‌ها نشوند.
۶. فراهم کردن بستری که نخبگان از کشور خارج نشوند.
۷. اصلاح قوانین پژوهشی و رعایت حقوق دانشجویان در دانشگاه‌ها به نحوی که در کتب، مقالات و کارهای پژوهشی که حجم زیاد آن توسط دانشجو انجام می‌شود، عدالت و امانت علمی حفظ شود.
۸. به کار نگرفتن استادانی که تخصص ندارند و متعهد به مبانی دینی نیستند.
۹. قوانین و مقررات آموزشی و پژوهشی مطابق با دستورهای الهی، منابع دینی و اسناد بالادستی نظام تدوین و اجرا شود.
۱۰. وارد نشدن دانشجو به دانشگاه‌ها با هر نوع پوشش و حجابی و جلوگیری از تساهل و تسامح مسئولان در این زمینه؛
۱۱. پیشگیری و برخورد با آلودگی‌های اخلاقی نظیر ارتباط با جنس مخالف، استعمال دخانیات در فضای دانشگاه به صورت آزادانه، حزب‌گرایی و جناح‌بازی سیاسی صرف به دور از اخلاق سیاسی و اسلامی؛

۱۲. ایجاد و حفظ فضای سالم و داشتن روحیه ذکر، دعا، نماز، ایثار، جهاد، معنویت‌افزایی، دین‌مداری، ولایت‌پذیری و احترام به حقوق افراد جامعه نظیر استاد، والدین و غیره.

منابع فارسی

- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: موسسه نشر علم.
- امام‌خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۳)، دیدار با جوانان نخبه و دانشجویان در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۱۳۸۳/۸/۵، منشور فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- امام‌خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۴)، دیدار استادان و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع) در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۱۳۸۴/۱۰/۲۹، منشور فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- امام‌خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷)، *شرحی بر بیانیه گام دوم انقلاب*، چ اول، تهران: معاونت سیاسی نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه، اسفند.
- تاملین، فردریک (۱۳۸۵)، *گزیده آثار توین‌بی*، ترجمه محمدحسین آریا، چ ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۹۴)، «مبانی دینی تمدن از منظر اسلام»، *مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی*، تهران: دانشگاه شاهد، ۱۶ مهر.
- حق‌شناس، علی‌محمد و همکاران (۱۳۷۹)، *فرهنگ معاصر هزاره*، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- دورانت، ویل (۱۳۹۰)، *مشرق زمین گاهواره تمدن*، ترجمه احمد آرام، چ اول، چ ۱۴، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۸)، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۴)، «تمدن نوین اسلامی؛ بنیادها و چشم‌اندازها»، *مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی*، تهران: دانشگاه شاهد، ۱۶ مهر.
- زارعی، بهادر (۱۳۹۹)، *حکومت محلی و توسعه ایران*، تهران: ستوس.
- زمانی، مصطفی (۱۳۴۸)، *اسلام و تمدن جدید*، قم: انتشارات علمیه.
- سبحانی، محمدقاسم (۱۳۹۷)، *فرماندهی و مدیریت اسلامی*، چ سوم، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز باقرالعلوم (ع)، بهار.



- سلمانی کیاسری، محمد (۱۳۸۷)، حکومت و رهبری از منظر نهج البلاغه، ج ۲، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، تابستان.
- سپاهپوش، امیر (۱۳۹۵)، الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، برگرفته از بیانات امام خامنه‌ای به کوشش مرکز پژوهش‌های علوم انسانی صدا، ج ۴، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، تابستان.
- شریعتی، علی (۱۳۸۹)، تاریخ تمدن، ج اول، تهران: نشر قلم.
- شیرودی، مرتضی (۱۳۹۳)، «اندیشه‌های سیاسی در اسلام»، مجموعه کتاب‌های اندیشه و سیاست (۱)، ج ۲، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت، پاییز.
- شیرودی، مرتضی و اسماعیل جهان‌بین کیاده (۱۳۹۳)، «اندیشه‌های سیاسی در غرب از اصلاح دینی تا قرن بیستم»، مجموعه کتاب‌های اندیشه و سیاست (۳)، ج اول، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت، بهار.
- طاهرزاده، اصغر (۱۳۸۹)، تمدن‌زایی شیعه، ج اول، اصفهان: لب‌المیزان.
- عابدی‌درچه الف، محسن (۱۳۹۸)، «تبیین مؤلفه‌های الگوی حکمرانی مطلوب اسلامی- ایرانی پیشرفت در نهادینگی تمدن نوین اسلامی»، مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: الگوی پیشرفت؛ پیشران‌ها، چالش‌ها و الزامات تحقق، ۲۲ و ۲۳ خرداد، تهران: دانشگاه تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- عابدی‌درچه ب، محسن (۱۳۹۸)، «الزامات بسط و کاربست تدابیر الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت در تحقق تمدن نوین اسلامی»، مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: الگوی پیشرفت؛ پیشران‌ها، چالش‌ها و الزامات تحقق، ۲۲ و ۲۳ خرداد، تهران: دانشگاه تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- قاضی‌زاده، سیدضیاءالدین (۱۳۸۸)، «ویژگی‌های برنامه‌ریزی راهبردی در سازمان‌های نظامی»، فصلنامه راهبرد دفاعی، ش ۲۴.
- کلاتری، عبدالحسین، حسن ناصر خاکی و نجمه نجم (۱۳۹۲)، «نظام معنایی گفتمان (اسلام‌سازی علم)»، دو فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی، ۲ (۴).
- لوکاس، هنری (۱۳۶۶)، تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: کیهان.
- مجیرشیبانی، نظام‌الدین (۱۳۳۷)، تاریخ تمدن از آغاز آفرینش تا تمدن مادی، تهران: دانشگاه تهران.
- مختاریان‌پور، مجید (۱۳۹۵)، «مدل فرایندی طراحی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت»، دو فصلنامه علمی- پژوهشی الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی، س ۴، ش ۸، پاییز و زمستان.

- مصباحی مقدم، غلامرضا (۱۳۸۹)، «گامی به سوی تدوین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت»، نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۷)، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹)، فلسفه تاریخ، ج اول، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۳)، کلیات علوم اسلامی، ج اول، منطق- فلسفه. چ ۳۳، قم: انتشارات صدرا، فروردین.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۶)، مقدمه‌ای بر حکومت اسلامی، ج اول، تهران: انتشارات صدرا، اردیبهشت.
- معین، محمد (۱۳۷۵)، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
- معین، محمد (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی معین (یک جلدی)، ج اول، تهران: انتشارات فرهنگ‌نما.
- میدری، احمد و جعفر خیرخواهان (۱۳۸۳)، حکمرانی خوب، بنیان توسعه، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر بررسی‌های اقتصادی.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۹)، «الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، محصول اسلامی‌سازی علوم انسانی»، نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دی.
- وکیلی، سعید (۱۳۹۲)، «هندسه طراحی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت دفاعی»، مجموعه مقالات دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت، تهران: مرکز الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت.
- ویسی، هادی (۱۳۹۲)، درآمدی بر دولت محلی، ج اول، تهران: سمت، تابستان.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۴)، نظریه برخورد تمدن‌ها، ترجمه مجتبی امیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

منابع انگلیسی

- Johnson, I. (1997), Redefining the Concept of Governance.
- World Bank. (2003), Better Governance for Development in the Middle East and North Africa.

